

چگونه می‌شود تورم را از مسیر بانک‌ها

۳ اقدام لازم است انجام پذیرد؛ یکی از راهکارها کاهش حجم تسهیلات تکلیفی بانک‌هاست که براساس آخرین برآورها حجم آن به ۱۳۹۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.اگر فشار به منابع بانک‌ها ناشی از این تسهیلات افزایش یابد، باعث اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی می‌شود و این یعنی خلق پول. یک راهکار دیگر اصلاح وضع سرمایه بانک‌هاست. برآوردها نشان می‌دهد مجموع سرمایه نظارتی بانک‌های ایران منفی بوده و لازم است تا سرمایه بانک‌های دولتی و خصوصی افزایش پیدا کند. برای اصلاح سرمایه بانک‌ها به ۴۵۰ تا ۵۰۰ همت منابع نیاز داریم. راهکار سوم هم تعیین تکلیف مطالبات بانک‌ها از دولت است. البته در کنار اینها، انضباطبخشی به نظام بانکی از مسیر بانک مرکزی هم اهمیت دارد؛ زیرا امکان است برخی بانک‌ها مکتب عمل نکنند و تسهیلات پرداختی آنها به بخش‌های واقعی اقتصاد از جمله تولید تزیق نشود.

پس در یک نگاه کلی تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها را در زمره عوامل رشد نرخ تورم می‌دانید؟ البته، حجم بالای تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها، در کنار ناکافی بودن سرمایه نظارتی بانک‌ها و حجم بالای مطالبات بانک‌ها از دولت که باعث خلق پول از کانال بانک‌ها می‌شود، یکی از موتورهای تورم در اقتصاد ایران است.

موتور روشن دیگر چیست؟

موتور دیگر تورم، مخارج بالای دولت است که اثر آن در کسری بودجه نمایان می‌شود. اینها موتورهای سمت تقاضا در اقتصاد است، ولی موتورهای تورم سمت هزینه را هم باید در نظر گرفت. در دهه ۹۰ این موتور بیشتر فعال شده که عمدتاً ناشی از شوک در بازار ارز بوده است.

قیمت ارز، ناشی از تورم نظارتی و تحریم‌ها افزایش می‌یابد. وقتی فعالان اقتصادی اعتمادشان را ناشی از تهدیدهای سیاسی و تحریم‌ها از دست می‌دهند، نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند؛ چون آنها، هم به دلایل احتیاطی و هم سفته‌بازی، وارد بازار ارز می‌شوند که به دنبال آن تقاضا برای نقدینگی افزایش پیدا می‌کند و بنگاه‌های اقتصادی به نقدینگی بیشتری برای واردات کالاها و مواد اولیه و واسطه‌های نیاز پیدا می‌کنند. بارشد تقاضای نقدینگی، به‌دلیل خصلت درون‌زای اقتصاد ایران، عرضه پول به اقتصاد رشد می‌کند و متناسب با آن، نرخ تورم هم افزایش می‌یابد. این پدیده را در دهه ۹۰ چندین‌بار تجربه کرده‌ایم؛ بنابراین در حوزه تورم، هم با فشار سمت تقاضا و هم با فشار سمت عرضه، مواجه شده‌ایم.

تورم فعلی در اقتصاد ایران از کدام سمت

بیشتر اثر پذیرفته‌ سمت هزینه یا تقاضا؟

در دهه گذشته نرخ تورم بیشتر از سمت هزینه تأثیر پذیرفته است. البته افزون بر اثر افزایش نرخ ارز بر تورم، سیاست‌های دولت هم بر وضع تورمی اثر گذاشته است؛ چون وقتی دولت دچار کسری بودجه می‌شود، سعی می‌کند درآمدهای خود را بالا ببرد و قیمت برخی کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد.

راه پرو رفت از این وضع چیست؟

تا زمانی که نتوانیم متغیرهای مهم عرضه و تقاضا بر نرخ تورم را کنترل کنیم، نمی‌توانیم نرخ تورم را به کنترل خود درآوریم.

برگردیم به پرسش اول: برای کنترل نرخ تورم از کانال بانک‌ها، چه اقدام‌هایی باید صورت گیرد؟
باید چند اقدام هماهنگ انجام پذیرد. دقت کنید بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های دولتی دارای‌های زیادی دارند، اما این دارای‌ها به نقدینگی تبدیل نشده و پشتوانه آنها برای دادن تسهیلات را نگرفته است. در بانک ملی برای اصلاح این وضع، فروش سهام شرکت‌ها و مجموعه‌های غیر مرتبط با فعالیت بانکداری و فروش دارای‌های منجمد و راگد در دستور کار قرار گرفته است. دیگر بانک‌ها هم در این مسیر قرار گرفته‌اند. باید محکم و جدی این کار بگیریم.
شود.
به لزوم فروش املاک بانک‌ها اشاره کردید، اما در بیرون از اینجانبان تکسوری طنطنه رواج دارد که بانک‌ها املاک و اموال خود را به‌گونه‌ای قیمت‌گذاری می‌کنند که کسی آنها را نخرد. این ادعا را قبول دارید؟

نمی‌توانم چنین قضاوتی درباره انگیزه همه بانک‌ها داشته باشم؛ چون باید مورد به مورد بررسی شود تا بتوان قضاوت کرد.
پس چرا روند فروش املاک و اموال بانک‌ها تا به این حد کند است؟

واقعت این است که فروش اموال بانک‌ها پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و مقررات بسیار سختی هم داریم که کار بانک‌ها را خیلی مشکل کرده است. همین مشکلات درخصوص فروش دارای‌های دولت هم وجود دارد. اصلا خود شما بگویید، دولت که انگیزه‌ای برای نگهداری اموال مازاد خود ندارد، پس چرا نمی‌تواند آنها را بفروشد؟

پاسخ خود شما به این پرسش چیست؟

به‌نظر من، هم موانع نظارتی وجود دارد و هم اثرات تورمی. شما الان هر دارای‌ای را که می‌فروشید، بعد از ۶ماه متوجه می‌شوید ارزش آن دارای‌ای افزایش یافته و ارزش پول‌تان کم شده است، اما به هر حال در مقام مدیرعامل یک بانک دولتی نمی‌توانیم اینها را بهانه نفروختن اموال و دارای‌های مازاد و راگد قرار دهیم. باید شرکت‌هایی را که با زنجیره ارزش بانک‌ها مرتبط نیستند، بفروشیم. البته وضع بازار

سرمایه هم مهم است. الان وضع بورس مثل سال ۹۹ نیست و خیلی جاها به‌دلیل شرایط بازار سرمایه، بانک‌ها از فروش دارای‌هایشان منع شده‌اند تا از نزول شاخص بورس و اعتراض سهامداران جلوگیری شود. مسئله فقط

سهام شرکت‌های در اختیار بانک‌ها نیست، بحث املاک مازاد بانک‌ها هم همین است. باید آنها را بفروشیم و به دارای‌های نقد تبدیل کنیم؛ اوراق بهادار سازی دارای‌های بانک‌ها هم خیلی کمک خواهد کرد.

اوراق بهادار سازی دارای‌های بانک‌ها از چه مسیری می‌تواند محقق‌شود؟
بانک مرکزی باید اجازه دهد بانک‌ها بخشی از دارای‌هایشان را به اوراق تبدیل کنند. چنین ابزاری باعث خواهد شد تا بانک‌ها در تأمین مالی اقتصاد و اعطای تسهیلات نقش بیشتری داشته باشند.

آیا روی میز، گزیننه و پیشنهاد مشخصی

برای اجرا دارید؟

بله، الان بانک ملی مطالباتی از دولت دارد. رقم مطالبات بانک ملی از دولت ۸۵ همت است. این عدد بالایی است، ولی این دارای‌ی در سمت راست ترازنامه بانک، منجمد شده، اما اگر بتوانیم روی مطالبات بانک از دولت اوراق منتشر کنیم، قدرت بانک در ایجاد اعتبار و اعطای تسهیلات افزایش

اقتصاد



محمد رضا فرزین در گفت‌و گو با همشهری ارائه داد

۳ راهکار برای مهار تورم

تشریح پشت‌ صحنه تورم در اقتصاد ایران توسط رئیس شورای هماهنگی بانک‌های دولتی

گزارش -سروش خسروی- رضا کربلایی

بانک‌ها چگونه تورم‌سازی می‌کنند؟ راه همین زدایی از تورم در زمین بانک‌ها چیست؟
محمد رضا فرزین، اقتصاددان، رئیس شورای هماهنگی بانک‌های دولتی و مدیر عامل بانک ملی ایران در گفت‌وگو با همشهری ریشه تورم‌سازی بانک‌ها را حجم بالای

بانک باید به خلق بنگاه کمک کند؛ نه اینکه بنگاه را مدیریت کند.اصلاحیاقعه‌بانکداری اسلامی باید برویم در پروژه‌ها مشارکت کنیم و وقتی پروژه اقتصادی یا یک بنگاه راه‌اندازی شد، با فروش سهام آن به مردم، خود را کنار بکشیم. به این ترتیب جریان منابع نقد بانک‌ها افزایش می‌یابد و توان تسهیلات‌دهی آنها بیشتر می‌شود.

در حالی که الان وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ درست است؟

بله، مدام به بانک‌ها تکلیف می‌شود؛ چون بانک‌ها منابع کافی ندارند، ناگزیر از بانک مرکزی اضافه برداشت می‌کنند و دوباره خلق پول شده و سرانجام تورم ایجاد می‌شود.

بحث به جای خوبی رسید. با فرض اصلاح ۳رویه حاکم بر شبکه بانکی، آیا موتور تورمی که از کانال بانک‌ها سوخت دریافت می‌کند، خاموش می‌شود؟
بله، در این صورت یکی از موتورهای تورم خاموش می‌شود. البته با تذکر این نکته که مسن قبول ندارم که فقط بانک‌ها همقصر اصلی تورم هستند. امروزه بالای ۸۰ تا۸۵ درصد تأمین

تسهیلات تکلیفی، نسبت منفی کفایت سرما یه بانک‌ها و البته بدهی دولت به شبکه بانکی می‌داند. او در عین حال می‌گوید: علاوه بر اثر نارتازی بانک‌ها پر نسرخ تورم، مخارج بالای دولت موتور دیگر تورم است. فرزین، افزایش شاخص عمومی قیمت‌ها، به‌ویژه در دهه ۹۰، عمدتاً ناشی از شوک ارزی را، دلیل دیگر نرخ تورم بالا در اقتصاد ایران معرفی می‌کند. این بانکدار ایرانی در عین حال می‌گوید: قبول ندارم که فقط بانک‌ها مقصر اصلی تورم هستند. فرزین تأکید دارد: مخالف تسهیلات تکلیفی نیستم،

مالی را بانک‌ها انجام می‌دهند. چه بخواهیم و چه نخواهیم بانک‌ها منشأ اصلی تأمین مالی در اقتصاد ایران هستند و این لزوماً بد نیست، بلکه خصلت اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. با این توصیف اگر بانک‌ها بتوانند خلق پول غیر تورمی داشته باشند، خلق نقدینگی در بانک‌ها هم باعث رونق تولید می‌شود و هم اینکه آثار تورمی کمتری به همراه دارد. البته با توجه به نقش جدی و مهم بانک‌ها در اقتصاد ایران، اصلاح این فرایند آسان نخواهد بود.

به نظر می‌رسد چالش مهم در این فرایند، اصرار نهادهای حاکمیتی به پرداخت تسهیلات تکلیفی است که تورم‌زا هم هست، موافقت؟

اعتقاد دارم وظیفه بانک‌ها تأمین مالی برای تمام اقشار مردم است و نه فقط بنگاه‌ها. در یک نظام بانکداری ایده‌آل یابدیه درخواست هر ایرانی‌ای که به هر دلیلی به تأمین مالی نیاز دارد، به ارزانی و سهولت در سیستم بانکی پاسخ داده شود؛ یعنی اگر کسی ازدواج می‌کند و به جهیزیه و لوازم خانگی برای تشکیل خانواده نیاز دارد یا وقتی می‌خواهد یک وسیله

پیشنهاد مشخص شما برای اصلاح نسبت کفایت سرما یه بانک ملی چیست؟

انباشته داشته باشد، از سرمایه آن کسر می‌شود. چون بانک ملی زبان انباشته دارد، بخشی از تجدیدارزیایی‌هاش قبول نمی‌شود. پس برای رسیدن به سطح استاندارد ۸درصدی کفایت سرمایه، به تأمین ۴۶هزار میلیارد تومان سرمایه نیاز داریم. این آورده را باید دولت تأمین کند.

پیشنهاد مشخص شما برای اصلاح نسبت کفایت سرما یه بانک ملی چیست؟

پیشنهادی را با همکاری وزارت اقتصاد آماده کرده و به معاونت اقتصادی ریاست‌جمهوری برده‌ایم. قرار شده برای این کار یک مجوز خاص به دولت داده شود تا اوراق خاص افزایش سرمایه بانک‌های دولتی ملی و سپه منتشر شود که به مجوز سران قوانین دارد. اگر این مجوز را از سران بگیرند می‌توانیم اسمال بخشی از اصلاح سرمایه مورد نیاز بانک را با این اوراق انجام دهیم؛ بخشی دیگر را هم سال آینده انجام خواهیم داد. به این ترتیب، دولت اوراق خاصی را منتشر می‌کند و این اوراق به‌عنوان آورده دولت صرف افزایش سرمایه بانک‌های ملی و سپه خواهد شد.

در زمینه تسویه مطالبات بانک ملی از دولت پیشنهادتان چیست؟

به دولت پیشنهادهای مختلفی داده‌ایم. گزینه مطلوب ما این است که دولت اگر پول دارد، به ما پول نقد بدهد، ولی می‌دانیم این پیشنهاد عملیاتی نیست. حاضریم به ازای مطالبات‌مان به ما شرکت یا هر دارایی دیگری را واگذار کنند.

دیگر بانک‌های دولتی برای افزایش سرمایه چه کار باید انجام دهند؟

در باره بقیه بانک‌ها هم قرار شد از ظرفیت قانون بودجه استفاده شود. در تبصره قانون بودجه اسمال بندی گنجانده شده که برای بانک‌های دولتی تا ۳۵ همت اجازه افزایش سرمایه به دولت داده شد. بانک‌ها هم مکلف شده‌اند تا ۳ برابر افزایش سرمایه تسهیلات بدهند. باقراری که گذاشته شده، چون عدد مورد نیاز برای افزایش سرمایه بانک ملی و سپه زیاد است، مقصوب در قانون بودجه اسمال سهم بقیه بانک‌های دولتی خواهد شد.

چشم‌انداز افزایش در نسبت سرما یه بانک‌ها را چگونه می‌بینید؟

براساس گزارش تخمینی از میزان ناترازی بانک‌ها، برآورد شده در پایان سال ۱۳۹۹، جمع سرمایه نظارتی شبکه بانکی، برای اینکه به سطح ۸۸ درصد مقررات بال یک برسد به ۴۰ همت منابع نیاز دارد. برای رسیدن به بال اهم ۴۵۰ همت و برای رسیدن به بال ۳۰۴ همت تقویت سرمایه بانک‌ها نیاز است. الان دارای‌های بزرگ‌ترین بانک دنیا یعنی ICBC چین ۵۱۰۶ میلیارد دلار و سرمایه لایه یک آن ۴۳۰ میلیارد دلار است. در حالی که بانک ملی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین بانک ایران، از حیث سرمایه ثبت شده، با دلار ۲۴ هزار تومان، ۴ میلیارد دلار است. همه بانک‌های بزرگ دنیا از نسبت مطالبات غیر جاری یابینی برخوردارند. ما هم اگر بخواهیم با نظام بانکی دنیا سازگار کنیم باید این استاندارد‌ها را در نظر بگیریم تا بتوانیم در دنیا با بانک‌های دیگر رابطه کارگزارگری داشته باشیم.

یعنی معتقدید این موضوع بر همکاری

بانک‌های ایرانی با بانک‌های جهان مؤثر است؟

اگر در آینده بخواهیم با بانک‌های خارجی کار کنیم، آنها به ترازنامه و صورت‌های مالی ما نگاه می‌کنند. با وضع فعلی صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی رقابت در دنیا خیلی سخت خواهد بود. بگذارید این سؤال را مطرح کنیم که چرا دولت آقای روحانی در فرصت پس از برجام نتوانست منفی ببرد؟ چون نظام بانکی آماده نبود. هنوز هم هر توافق با غرب و طرف‌های برجام انجام دهیم اول لازم است نظام بانکی اصلاح شود تا بنگاه‌های اقتصادی پشت سر آن حرکت کنند؛ بدون این اصلاحات امکان موفقیت وجود ندارد. این بانک‌ها هستند که تعاملات اقتصادی و تجاری را ایجاد و تسهیل می‌کنند. باید روابط کارگزار ی‌مان را با دنیا توسعه دهیم. برای تحقق این هدف، اعداد و ارقام ششگانه بانکی باید به‌گونه‌ای باشد که به ما اعتماد کنند، اگر به شبکه بانکی اعتماد کنند به کشور اعتماد خواهند کرد. پیش‌تران اقتصاد بانک‌ها هستند، اگر بانک‌ها حرکت کنند، اقتصاد راه خواهد افتاد و بزرگ می‌شود، ولی وقتی کفایت سرمایه بانک‌های ایران منفی است؛ یعنی ریسک اقتصادی بالاست. در دنیا قبل از هر تصمیمی صورت‌های مالی بانک‌ها را نگاه می‌کنند و

از زیانی ریسک انجام می‌دهند. پس اگر می‌خواهیم با دنیا کار کنیم باید این مشکلات را حل کنیم. اگر اقتصاد چین بزرگ شده، دلپیش آن است که بانک‌های بزرگی از سمت پس باید بانک‌های ایران هم بزرگ شوند، آن هم از سمت دارای‌هایشان تا بتوانیم با بانک‌های دنیا کار کنیم. وقتی شرکای خارجی به بانک‌های ما اعتماد کنند به بازار گاتان و فعالان اقتصادی ما هم اعتماد خواهند کرد.

با فرض اینکه از حجم تسهیلات تکلیفی بانک‌ها کم شود، آیا وضع تسهیلات‌دهی بانک‌ها به مردم بهبود می‌یابد؟

پیش از پاسخ به این سؤال باید تأکید کنم، سیاستگذاری پولی باید در شورای پول و اعتبار انجام گیرد، و مجلس باید اگر تسهیلات را سه بانک‌ها تکلیف می‌کند باید پیشنهادش را به شورای پول و اعتبار ببرد تا شورا تصمیم بگیرد و آن را ابلاغ کند.

به‌نظر می‌رسد از باب سنجش اثر تورم بر این

موضوع تأکید دارید؛ درست است؟

دقیقا، باید شورای پول و اعتبار با توجه به جایگاه قانونی خودش همه پیشنهادها، از جمله پیشنهادهای مجلس را بررسی کند تا اثر تورمی آن مشخص و سنجیده شود؛ حتی به دولت هم پیشنهاد داده‌ام قبل از اینکه تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها ابلاغ شود، نظر شبکه بانکی پرسیده شود تا علاوه بر اثرات تورمی، اثر ناترازی آن در بانک‌ها هم مشخص شود؛ به این ترتیب، هم بانک‌ها و هم شورای پول و اعتبار آن را بررسی می‌کنند و متناسب با توان بانک‌ها، این تسهیلات تعیین می‌شود. وقتی حجم تکلیف بانک‌ها بیش از منابع و توان آنها باشد، بانک‌ها در تراز نقدینگی دچار مشکل می‌شوند. مهم‌ترین مسئله بانک‌ها، تراز نقدینگی آنهاست و اگر این تراز به‌هم بریزد، نتیجه‌اش اضافه برداشت و تورم خواهد بود.

این موضوع را با مراجع تصمیم‌گیر هم در میان گذاشته‌اید؟

ایس مسئله را هم بنا رئیس مجلس و هم در کمیسیون‌های تخصصی و هم در دولت مطرح کرده‌ایم.

دوشنبه ۵دی ۱۴۰۱ شماره ۸۶۷۴